

سخن بزرگان درباره محرم و امام حسین (علیه السلام)

اشتراک در شبکه‌های اجتماعی:

آدرس صفحه: <https://mav>



[1]

علامه جعفری: شهادت امام حسین (علیه السلام) با عظمت‌ترین شهادت است که در تاریخ بشر بروز کرده است، زیرا او با شناخت همه ابعاد و امتیازات زندگی و توانایی بر برخورداری از آنها دست از زندگی شسته است. (امام حسین شهید فرهنگ پیشرو انسانیت، علامه جعفری)

آیت‌الله خامنه‌ای: در باب عاشورا آنچه که عرض می‌کنم - البته یک سطر از یک کتاب قطور است - این است که عاشورا یک حادثه تاریخی صرف نبود، عاشورا یک فرهنگ، یک جریان مستمر و یک سرمشق دائمی برای امت اسلام بود. حضرت ابی‌عبدالله (علیه السلام) با این حرکت که در زمان خود دارای توجیه عقلانی و منطقی کاملاً روشن بود یک سرمشق را برای امت اسلامی نوشت و گذاشت. این سرمشق فقط شهید شدن هم نیست یک چیز مرکب پیچیده و بسیار عمیق است. سه عنصر در حرکت حضرت اباعبدالله وجود دارد: عنصر منطق و عقل، عنصر حماسه و عزت و عنصر عاطفه... (در دیدار با مبلغان حوزه‌های علمیه سراسر کشور در آستانه محرم)

امام خمینی: روضه سیدالشهدا برای حفظ مکتب سیدالشهدا است. آن کسانی که می‌گویند روضه سیدالشهدا را نخوانید اصلاً نمی‌فهمند مکتب سیدالشهدا چه بوده و نمی‌دانند این گریه‌ها و روضه‌ها حفظ کرده این مکتب را... حرف سیدالشهدا حرف روز است همیشه حرف روز است... و مکتبی تا پایش سینه‌زن نباشد، گریه‌کن نباشد، تا پایش توی سر و سینه زدن نباشد حفظ نمی‌شود. (صحیفه نور - ج 8)

آیت‌الله جوادی آملی: خون حسین بن علی (علیهما السلام) در عاشورای 61 هجری در گوشه‌ای دور افتاده از سرزمین عراق یعنی کربلا هدر نرفت بلکه به اراده پروردگار عالم همه قطرات آن به پیکره عالم اسلام تزریق شد و همان است که هر سال طنین «هل من ناصر ینصرنی» امام حسین را در گوش جهانیان زمزمه می‌کند و ملت‌های مسلمان و گاه غیرمسلمان را به جوش و خروش وادار می‌دارد.

شهید مطهری: حسین بن علی (علیه السلام) یک روح بزرگ بود و یک روح مقدس بود، اساساً روح که بزرگ شد تن به زحمت

می‌افتد، آن تنی که در زیر سم اسب‌ها لگدمال شد جریمه یک روح بزرگ بود، جریمه یک حماسه، جریمه حق‌پرستی، آن اتفاق، جریمه روح شهید بود. (حماسه حسینی، ج 1)

انقلاب جهانی

به ظاهر، عاشورا در محدوده کربلا اتفاق افتاده و به ظاهر جمعیت کمی که به رهبری امام حسین (علیه السلام) برای مقابله با حکومت برخاسته بودند شکست خوردند، اما عادلانه که بنگریم شور این انقلاب از ریگزارهای تفتیده کربلا آغاز شد و به یکباره تمام جهان را در بر گرفت و این معنی سخن امیرالمؤمنان است که فرمود «لِلْحَقِّ دَوْلَةٌ وَ لِلْبَاطِلِ جَوْلَةٌ؛ برای حق دولت و استمرار است و برای باطل جَولان و نمایش زودگذر» و امام حسین و یارانش تفسیر عینی این آیه از قرآن بودند که «چه بسا گروه اندکی بر گروهی بسیار غلبه کنند به اذن خداوند» (بقره، 249)

جملاتی که می‌خوانید سخنان بزرگانی از عرصه ادب و سیاست و... است که درباره واقعه کربلا و امام حسین (علیه السلام) بیان کرده‌اند.

چارلز دیکنز: اگر منظور [امام] حسین جنگ در راه خواسته‌ای دنیایی بود من نمی‌فهمم چرا خواهران و زنان و اطفالش به همراه او بودند؟ پس عقل چنین حکم می‌کند که او فقط به خاطر اسلام، فداکاری خویش را انجام داد.

مهاتما گاندی: من زندگی [امام] حسین، آن شهید بزرگوار اسلام را به دقت خوانده‌ام و توجه کافی به صفحات کربلا نموده‌ام و بر من روشن شده است که اگر هندوستان بخواهد یک کشور پیروز گردد باید از سرمشق [امام] حسین پیروی کند.

آنتوان بارا: اگر حسین از ما بود در هر سرزمینی برای او بیرقی برمی‌افراشتیم و در هر روستایی منبری برپا می‌کردیم و مردم را با نام حسین به مسیحیت فرامی‌خواندیم.

جُرج جُرداق (دانشمند و ادیب مسیحی): وقتی یزید مردم را تشویق به قتل حسین و مأمور به خونریزی می‌کرد، آنها می‌گفتند «چه مبلغی می‌دهی؟» اما یاران حسین می‌گفتند «ما با تو هستیم اگر هفتاد بار کشته شویم باز می‌خواهیم در رکابت بجنگیم.»

احمد محمود ضیحی: اگرچه حسین بن علی در میدان نظامی یا سیاسی شکست خورد اما تاریخ هرگز شکستی سراغ ندارد که مثل خون حسین به نفع شکست‌خوردگان تمام شده باشد، خون حسین حکومت اموی را ساقط کرد و ندای خونخواهی او فریادی شد که تخت‌ها و حکومت‌ها را به لرزه درآورد.

گیبون (مورخ انگلیسی): با آن که مدتی از واقعه کربلا گذشته و ما هم با صاحب واقعه، هم‌وطن نیستیم مشکلاتی که [امام] حسین تحمل کرده احساسات سنگ‌دل‌ترین خواننده را برمی‌انگیزد، چندان که یک نوع عطوفت و مهربانی نسبت به آن حضرت در خود می‌یابد.

طنطاوی (دانشمند و فیلسوف مصری): داستان حسین، عشق آزادگان را به فداکاری در راه خدا برمی‌انگیزد و استقبال مرگ را بهترین آرزوها به شمار می‌آورد چندان که برای رسیدن به قربان‌گاه بر یک‌دیگر پیشی جویند.

بیر پرسی سایکس (خاورشناس انگلیسی): حقیقتاً آن شجاعت و دلاوری این عده قلیل به درجه‌ای بوده است که در تمام این قرون متمادی هرکس آن را شنید بی اختیار زبان به تحسین و آفرین گشود.

فردریک چمس: درس امام حسین و هر قهرمان شهید دیگری این است که در دنیا اصول ابدی عدالت و ترحم و محبت وجود دارد که تغییرناپذیرند و هم‌چنین می‌رساند که هرگاه کسی برای این صفات مقاومت کند و بشر در راه آن پافشاری کند آن اصول همیشه در دنیا باقی و پایدار خواهد ماند.

توماس ماساریک: گرچه کشیشان ما هم از ذکر مصائب حضرت مسیح مردم را متأثر می‌سازند ولی آن شور و هیجانی که در پیروان حسین یافت می‌شود در پیروان مسیح وجود ندارد و گویا علتش این باشد که مصائب مسیح در برابر مصائب حسین مانند پر کاهی است در مقابل کوهی عظیم.

کشته شدن حسین مانند هر کشته‌شدن، یک فاجعه بود اما فاجعه‌ای استثنایی و بعد از چهارده‌قرن یک مؤرخ بی‌طرف آن فاجعه

را به شکل یک کوه طولانی و مرتفع می‌بیند که فاجعه جنگ‌های دیگر در پشت آن پنهان و به چشم نمی‌رسد بزرگ‌ترین علتی که این قضیه را عظمت بخشید این بود که نه تنها برای حفظ جان صورت نگرفت که گردانندگان آن جان خود را نیز بر سر هدفشان نهاد.

منابع

1. کورت فریشلیر، حسین شهید فرهنگ پیشرو انسانیت، ص 378.

2. فرهنگ عاشورا، جواد محدثی.

3. واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات، علی‌اصغر رضوانی.

ما

آیا می‌شود برای حادثه‌ای گریست و در رفتار، با اهداف آن ناهم‌سو بود یا حتی مقابله کرد؟ بله می‌شود! آن‌قدر این اتفاق محتمل است و گاهی آن‌قدر به قشنگی و لطافت! اتفاق می‌افتد که کاملاً معمول می‌نماید و انگار هیچ تناقضی وجود ندارد. این تناقض وحشتناک تنها در یک بستر، امکان وقوع می‌یابد؛ در بستر جهل. وقتی من از مختصات واقعه و اهداف آن چیزی ندانم طبیعی است که بر صورت آن اشک بریزم و با تیشه بر ریشه‌اش بکوبم. هر چه شناخت ما از قیام سیدالشهدا کمتر باشد بیش‌تر در معرض این خطای بزرگ هستیم، پس؛ علینا بالمعرفه!

آن‌ها

هدف قیام سال 60 اصلاح بود. همان که قبل‌تر از آن‌هم در سیره و گفتار اهل صلاح پدیدار بود. از جناب عالی‌قدر رسول مکرم تا حضرت امیر و فاطمه زهرا و حسن مجتبی (سلام‌الله‌علیهم‌اجمعین) بنای رفتارهای اجتماعی، همیشه همین بود. اما اصلاح چه؟ پیداست؛ اصلاح جامعه! اما اصلاح چه چیز جامعه؟ جواب، روشن است؛ فرهنگ جامعه و چه چیز، مغز این فرهنگ، قلب آن و سرچشمه حرکات و جلوه‌های فرهنگ است؟ طبیعتاً، اعتقادات و دین مردم. هدف سیدالشهدا اصلاح دین بود. اما مگر دین را باید اصلاح کرد؟

آن‌چه که پیامبر خدا برای مردم می‌آورد به اصلاح نیاز ندارد اما وقتی هدیه الهی در اثر نادانی مردم، جفای به رهبران لایق و انزوای آنها، اشتباهات برخی خواص و بزرگان و... دگرگون می‌شود دیگر آن چیزی نیست که فواید و نتایج آن هدیه گرانها را داشته باشد. این‌جا همان انگیزه اولی، یعنی ابلاغ رسالت دوباره جان می‌گیرد ولی این‌بار برای یادآوری آن رسالت و جا انداختن چیزهایی که به تدریج فراموش شده است، اما مردم، چگونه متوجه این‌همه تغییر نشدند؟ چگونه تن به این فراموشی مفرط و این تحول منفی دادند؟ به نظر می‌رسد برخی بزرگان صاحب نفوذ که چه بسا از وجاهتی مقدس هم برخوردار بودند مقصر اصلی باشند. آنها بودند که حتی اگر خودشان اهل فسق و فجور و تجاوز به بیت‌المال و هم‌پالگی اهل جنایت و خیانت نبودند در سکوت یا سخن‌گویی خود، توجیه و مصلحت‌سنجی در پیش گرفتند. مردم، خام توجیهات بزرگان‌شان شدند و توجه دارید که توجیه کار هر کسی نیست و مهارتی فوق‌العاده می‌طلبد. توجیه‌گر باید بلد باشد چگونه با الفاظ پسندیده و با اتکا به مبانی

پذیرفته شده، برداشت‌های غلط خود را به جای گوهر اصلی بنشانند. جوری که آب از آب تکان نخورد.

به این‌ها اضافه کنید فضای سنگین دروغ‌پردازی و تهمت و جعل حدیث و تخریب و ترور شخصیت‌ها و هر آنچه دیگر که خلفا را برای حفظ خویش یاری می‌کرد.

تکرار می‌شود

محمدحسین شیخ‌شعاعی

شما در عصری شبیه سال‌های 60 (از کمی قبل تا مدت‌ها بعد از آن) به سر می‌برید. فارغ از جمعیت پر ادعای کفر که البته بسیار قوی‌تر از اسلاف رومی خود هستند، با انبوهی از مردمی مواجهید که خود را مسلمان می‌دانند و فقط هم خود را مسلمان می‌دانند درحالی‌که گرفتار دستان خلفای جور هستند. شیطان‌ها نه تنها در اعتقاد آنها نفوذ دارند که در حکومت‌هایشان، بر سرزمین‌هایشان و بر جان و مالشان سیطره دارند؛ سیطره‌ای موجه‌تر و مهیب‌تر از آنچه معاویه و یزید داشتند و این گوشه، شما هستید و شما! در حلقه محاصره نه‌مسلمان‌ها و نامسلمان‌ها.

در این حرف‌ها معتقد به مرزهای جغرافیایی نیستم، شیعه همه‌جا در محاصره است در هر گوشه‌ای که هست و اگر امروز هم حجت خدا بر بندگانش یعنی اسلام ناب محمدی به خطر بیفتد و اگر بخواهند با زور از پیروان حقیقت بیعت بگیرند از جانب هر که باشد، قیام ضروری خواهد بود چنان‌که در سال 60 هـ. ق ضروری بود. این مدل، مدل مبارزه برای اصلاح و حفظ گوهر دین، در داخل مرزهای عقیدتی خودمان هم قابل تکرار است یعنی آن‌جا که کسانی بخواهند با توجیه، راه تحریف در پیش بگیرند و با تغییر حقایق اصلی - که اتفاقاً جذابیت واقعی دین از آن‌جاست - ما را به پوسته اسلام دلخوش کنند، هنگام به‌پا خواستن است. هرچیز که می‌توانید به هر وسیله هرچا هرچه‌قدر و به هر قیمتی! وگرنه ایستادن و تماشا کردن کم از یاری ناحق ندارد. برخی مردم کوفه را به یاد بیاورید که روی بلندی‌های اطراف کربلا جمع شده بودند و نبرد روز دهم را می‌دیدند و اتفاقاً‌های می‌گریستند و بر سر و روی خود می‌زدند. کاری که هیچ از مسئولیت و عذاب اخروی آنان نخواهد کاست.

برچسب‌ها:

مجرم، سخن‌بزرگان [2]

نشانی منبع: <https://mava.iki.ac.ir/node/825>

پیوندها

https://mava.iki.ac.ir/files/images/articles/13900903_0118074.jpg [2] [1]

<https://mava.iki.ac.ir/tag/%D9%85%D8%AD%D8%B1%D9%85%D8%8C-%D8%B3%D8%AE%D9%86-%D8%A8%D8%B2%D8%B1%DA%AF%D8%A7%D9%86>